

جهان نما

سی‌بی‌اس‌ا ز کان‌دیدا توری اقلیت‌ها خبر داد:

دانشمندان

به نجات آمریکایی آیند

مریم علامه زاده

انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در این دوره یک اتفاق کم‌نظیر در سیاست این کشور است. در این انتخابات که روز سه‌شنبه (پانزدهم آبان) برگزار می‌شود، تعداد تاریخی از زنان و اقلیت‌ها برای حضور در کنگره کان‌دیدا شده‌اند. دانشمندان عموماً دست‌خود را به سیاست آغشته نمی‌کنند، اما امسال، بیش از ۴۵۰ کان‌دیدا با سابقه علمی، فناوری، مهندسی و ریاضی به‌دنبال مناسب‌دولتی وایالتی هستند.

لارن آندروود، پرستاری از شیکاگو و جوزف کوپسر، مهندس هوا و فضا از ایالت تگزاس، ۲مورد از صدها دانشمندی هستند که برای اولین بار صندلی‌های سیاست را به روپوش‌های آزمایشگاهی ترجیح داده‌اند. آندروود بر این باور است که واشنگتن اگر قصد دارد واقعاً سیستم سلامت و درمان آمریکا را اصلاح کند، باید یک پرستار را پشت‌میز ببرد.

کوپسر می‌گوید: تنها دلیلی که من به مسیر مهندسی هوا و فضا پا گذاشتم، پیش گرفتن آرزوی کودکی بود. در آن زمان من فقط رویای پا گذاشتن روی ماه را در سر داشتم و بنابراین از منظر خدمت عمومی، ورود به سیاست تنها یک رشد طبیعی است. روش‌های علمی به شما اجازه می‌دهد تا فرضیاتی در مورد بخش‌های مختلف‌داشته‌باشید و بعد می‌توانید ایده‌ها را پرورش دهید، مامی‌توانیم ایده‌ها را مورد آزمون قرار دهیم و ایده‌های کارا را تشخیص دهیم و این روشی است که من قصد دارم در پیش بگیرم.

آندروود ۲۶ ساله امیدوار است به عنوان اولین زن آفریقایی – آمریکایی به عنوان چهاردهمین نماینده ایالت ایلینویز انتخاب شود. او می‌گوید: من فکر می‌کنم ما شاهد چیزی هستیم که پیش از این هرگز اتفاق نیفتاده بود. سیاستگذاران مادر پی‌کنمان حقیقت هستند. آنها حقیقت‌ها را نادیده می‌گیرند و با کارشناسان مشورت نمی‌کنند. اما حقیقت پشت‌ماه‌نمی‌ماند.

به گفته‌ده مقام علمی پیشین، اگر چه اکثریت دانشمندان در قالب دموکرات‌ها پسا به عرصه انتخابات گذاشته‌اند، اما نیاز به دانشمند حزب و جناح‌می‌شناسد و این‌تمن کارشناس منابع طبیعی پیشین آمریکا می‌گوید: بالاخره هر فرد شخصا اعتقادات حزبی دارد. اما وقتی این افراد مشاورات علمی می‌دهند این مسئله بروز نمی‌کند؛ چرا که آنها به شهرت خود اهمیت می‌دهند و قصد ندارند با سیاسی‌کاری علم را به‌خطر بی‌اندازند.

هر دو طیف جمهوری خواه و دموکرات به نیاز حضور دانشمندان در کنگره معترف هستند. مک‌کارتی که نماینده‌ای دموکرات دوران او‌یاما بوده و سابقه علمی دارد می‌گوید: دانشمندی که کان‌دیدا شده‌اند مثل مافکر می‌کنند: تنها علم نیست که در خطر است، خود دانشمندان هم در خطر قرار گرفته‌اند و ما به افرادی برای مناسب رهبری در بخش عمومی کشور نیاز داریم تا بتوانند تضمین کنند که تصمیمات بر اساس حقایق گرفته شود.

شاونسی ناوتون، مدیر شرکت ۳۱۴اکشن، که یک کمیته سیاسی غیرانتفاعی برای کمک به کان‌دیدا‌های کنگره به منظور آشنایی با مسائل سیاسی است، بر خلاف نظر عده‌ای که تنها ترامپ را مقصر اتفاقات علیه علم می‌دانند، می‌گوید: امسال ۷ هزار و ۵۰۰ درخواست از سوی دانشمندان داشتیم. تا کنون جنگ علیه علم بود اما حالا جنگ علیه حقایق شکل گرفته است. چه در بحث امنیت سایبر، سلاح هسته‌ای یا تغییرات اقلیم دانشمندان می‌توانند پای‌میز بیایند و مشاوره دهند. اما حضور دانشمندان این ریسک را ایجاد می‌کند که با اعتماد عمومی به دانشمندان، سیاست در قالب علم به مردم اعمال شود. اما او این‌تمن که نماینده‌دوران جورج دبلیو‌بوش و جمهوری خواه است اعتقاد دارد که جای‌نگرانی نیست، چرا که دانشمندان مقابل آن ایستادگی می‌کنند. مک‌کاردی نیز می‌گوید: دانشمندان علاقه‌مند به رهبری سیاسی نیستند و بنابراین آنها علم را سیاست‌زده نمی‌کنند. آنها فقط قصد دارند به سیاست ورود کنند تا از سیاست‌زدگی علم جلوگیری کنند.



گزارش نیویورک تایمز از کشته شدن ژنرال عبدالرازق

ترور در قندهار



سید محمد میرزا محمدزاده

نیویورک تایمز نوشت: چند دقیقه پیش از ترور یکی از کلیدی‌ترین نیروهای افغانستان، نیروی نفوذی برای آخرین بار با فرمانده خود در طالبان تماس می‌گیرد. او که نوجوانی بیش نیست، موفق شده بود به عنوان یک محافظ ویژه استخدام شود و با مدارک تقلبی در دل دولت نفوذ کند، بدون آنکه پیشینه او مورد بررسی قرار گیرد. وی آنقدر خود را به مرکز قدرت در افغانستان نزدیک کرده بود که در زمان انجام عملیات ترور در حین بلند کردن اسلحه کلاشینکف خود آتش گشودن بر روی فرماندهان، تنها چند قدم با ژنرال استون میلر، فرمانده آمریکایی و نیروهای ناتو فاصله داشت.

این حمله، سناریو یک کابوس برای برنامه‌ریزان امنیتی افغانستانی و آمریکایی بود: طالبان توانسته بود در یک عملیات یک‌ماهه به جلسه‌ای در سطح بالا نفوذ کند و یکی از قوی‌ترین فرماندهان افغانستانی و یک مأمور اطلاعاتی استانی را به قتل برساند، یک فرماندار افغانستانی و یک ژنرال آمریکایی را زخمی کند و در نهایت خوش‌شانسی ژنرال میلر و دیگر مقامات از آن جان سالم به در بردند. جریان این ترور و قرار بی‌نظم آمریکایی‌ها از این عملیات که دو هفته پیش اتفاق افتاد، روابط بین دولت افغانستان و نیروهای آمریکایی را متزلزل کرده است.

امنیت لوزان

این ترور آشکار کرد که پس از ۱۷ سال جنگ و کشته شدن ده‌ها نفر از نیروهای ائتلافی از سوی افرادی در لباس نیروهای افغانستان، چقدر آمریکایی‌ها و افغانستانی‌ها نسبت به چنین نفوذه‌ها و حملات داخلی حساس هستند. حمله ماه گذشته میلادی، همچنین منجر به مرگ یکی از مهم‌ترین نیروهای کلیدی ملت افغانستان علیه طالبان شد: ژنرال عبدالرازق، رئیس پلیس استان قندهار.

ژنرال عبدالرازق که توانسته بود از مقام یک سرباز صفر مرزبانی خود را به مقام بلند رئیس امنیت در طول کمتر از یک دهه برساند، یک امپراطوری را در بخش جنوبی

افغانستان ایجاد کرده بود.

جایگاه او به عنوان قوی‌ترین مرد در قلب سرزمین طالبان، به واسطه حملات خصمانه علیه متمرذین به‌دست آمده بود؛ جایگاهی آنچنان محکم که بر تناقضات قبیله‌ای و مذهبی فائق آمد. اهمیت وی برای ارتش آمریکا نیز به عنوان یک متحد غیرقابل اجتناب که امنیت استان قندهار را سال‌های متمادی تأمین کرده است، شناخته شد.

همه این ابهت و شکوه، در بعد از ظهر روز ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر ماه) در کمتر از چند ثانیه فرو ریخت. پس از عملیات ترور، تلاش برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از ساختمان فرمانداری، منجر به درگیری بین نیروهای امنیتی آمریکایی و افغانستانی شد. به گفته مقامات آمریکایی، نیروهای این کشور با خودرو دروازه ساختمان را خرد کردند و به سمت نیروهای افغانستانی شلیک کردند و دستکم یک افسر افغانستانی هم در جریان این درگیری کشته شد.

این شایعه در سراسر افغانستان منتشر شده که حتماً نیروهای آمریکایی پشت جریان ترور ژنرال رزاق هستند. این شایعه از صحنه حمله آغاز شد و در صفحات شبکه‌های اجتماعی، کوچه و خیابان و حتی در بین رهبران بلندمرتبه کشور منتشر شد.

به نقل از منابع آمریکایی، حامد کرزای، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، در یک جلسه خصوصی به جان‌بش، سفیر آمریکا در افغانستان گفت که بیشتر کشور بر این باورند که آمریکا به دستور پاکستان، ژنرال رزاق را ترور کرده است. تنها ۲ روز پس از این حمله،

گزارش شد که یک سرباز افغان پس از بحثی در مورد قتل ژنرال رزاق، به روی نیروهای ناتو آتش گشود.

به گفته مقامات آمریکایی، در چند هفته پس از این عملیات ترور، ارتش آمریکا، بجز در حملات هوایی، به‌طور مشخص به لاک دفاعی فرو رفته است. عملیات‌های مشترک به‌طور آشکاری کاهش داشته است و با تشریفات امنیتی که اخیراً از سوی تیم آمریکایی تعریف شده، تعاملات بین مقامات به‌صورت عمده به تماس‌های تلفنی و ملاقات‌های بسیار حفاظت‌شده محدود شده‌اند. این حمله در ساختمان فرمانداری استان قندهار، در جریان جلسه مقامات آمریکایی و افغانستانی به منظور تأمین امنیت انتخابات ماه گذشته افغانستان انجام شد.

در ماه‌های اخیر، حضور ژنرال رزاق در ساختمان فرمانداری کم‌رنگ‌تر شده بود و بیشتر ترجیح می‌داد در ساختمان خود حضور داشته باشد؛ که بخشی از آن به دلیل ترور نافرجامی بود که سال گذشته از سوی طالبان صورت گرفت. در جریان آن ترور یکی از نیروهای طالبان اتاقی پر از مقامات ویژه رانمنفجر کرد و منجر به کشته و زخمی شدن این افراد شد. علاوه بر این، رزاق به احتمال زیاد درگیر فعالیت‌های سیاسی مربوط به انتخابات ریاست‌جمهوری و همچنین شکل‌دهی شبکه ارتباطی با طالبان به‌منظور انجام مذاکرات صلح بوده است. وی دائماً در حال ماموریت در کابل، دویبی و اروپا برای انجام چنین مذاکراتی بود و به طنز می‌گفت: کلاًهم مراقب امنیت است و خود کارهای سیاسی انجام می‌دهم.



مولوی عبدالغفور، یکی

از مقامات طالبان، گفت:

این رزاق ۲۸۰۰ نفر را بدون

عدالت، شهید کرده بود

و هنوز مادرانشان چشم

انتظار هستند. این طالب

یک سوراخ در سینه رزاق

درست کرد؛ انشالله که خدا

ما را در بهشت با او محشور

کند

او در ماه آگوست (مرداد – شهریور) وارد قندهار شده بود و خودش را در بین نیروهای حفاظتی فرمانداری جا زده بود. یکی از فامیل‌هایش با نام بشیر احمد، که خودش حدود یکسال عضو محافظان استانداری بود، وی را تضمین و کمک کرده بود، بدون دریافت عدم سو پیشینه وارد سیستم‌شود.

محمد نسیم که هم اتاقی او بود گفت: او خیلی ساکت بود و به ندرت حرفی می‌زد. اما بشیر احمد همیشه پای تلفن بود. (به گفته مقامات، احمد، فامیل فرد نفوذی، ۳۰ دقیقه قبل از تیراندازی از فرمانداری گریخته بود.)

به گفته دومقام آگاه، راز محمد، ۵ الی ۱۵ دقیقه قبل از حمله، آخرین تماسش را با پاکستان انجام می‌دهد و نزدیک به ۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه با فرماندهی عملیات‌های انتحاری طالبان صحبت کرده بود.

وقتی جلسه تمام شد، مقامات در حال رفتن به سوی پشت فرمانداری بودند، جایی که دو هلیکوپتر بلک هاوکز، برای بردن ژنرال میلر آماده بودند.

در قندهار فصل اناز بود و فرماندار به عنوان هدیه، جعبه‌های اناز را برای مهمانان حاضر کرده بود؛ بسیاری از محافظان از جمله فرد نفوذی، در حال حمل جعبه‌ها به محل فرود هلیکوپتر بودند.

راز محمد از جمعیت جلو زد و جعبه انازها را روی زمین گذاشت و ناگهان سلاحش را بالا آورد و آن را به سمت ژنرال رزاق گرفت که کمتر از دو متر با او فاصله داشت و ۴ گلوله به او شلیک کرد. سپس رگبار را به سمت افراد کنار ژنرال رزاق از جمله ژنرال میلر گرفت که در همان لحظه کشته شد. به محض اینکه روی زمین افتاد رگبار گلوله به سمت وی روانه شد.

مسعود آخوندزاده، روحانی مسجدی در قندهار که چند قدم با صحنه تیراندازی فاصله داشت گفت: همه این اتفاقات در کمتر از ۱۰ ثانیه اتفاق افتاد.

یکی از خودروهای زرهی ژنرال وارد صحنه آغشته به خون و انازهای له شده شد تا او را به بیمارستان انتقال دهد. ژنرال میلر و دیگر آمریکایی‌هایی که اسلحه‌های خود را برای ورود به فرمانداری تحویل داده بودند، به دنبال پناهی می‌گشتند و در حال امن کردن منطقه با هلیکوپترهای تخلیه تماس گرفتند. نیروها از چند جهت به محل سرازیر شدند. وقتی اوضاع قدری آرام‌تر شد، به زخمی‌ها از جمله فرماندار قندهار و جفری اسماییلی، فرماندار نیروهای آمریکایی در جنوب افغانستان، رسیدگی شد. به گفته مقامات آمریکایی، شنیده شد که یکی از محافظان افغانستانی فریاد می‌زده است که آمریکایی‌ها به ژنرال رزاق شلیک کرده‌اند. به گفته این مقامات احتمالاً فردی که فریاد می‌زده، نفوذی دیگری بوده که قصد داشته به خشم ایجاد شده دامن زند و کوتاهی نیروهای حفاظتی را مخفی کند.

پس از آنکه ژنرال میلر، دیگر فرماندهان آمریکایی و برخی از زخمی‌ها به وسیله هلیکوپتر از صحنه خارج شدند، اعضای یگان زمینی برای خروج از کاخ فرمانداری و رسیدن به پایگاه هوایی در قندهار عازم شدند که در گیت ورودی با نیروهای افغانستانی درگیر شدند و آتش رد و بدل کردند.

عملیات ترور آشکار

کرد که پس از ۱۷ سال

جنگ و کشته شدن ده‌ها

نفر از نیروهای ائتلافی

از سوی افرادی در لباس

نیروهای افغانستان،

چقدر آمریکایی‌ها و

افغانستانی‌ها نسبت به

چنین نفوذه‌ها و حملات

داخلی حساس هستند

به گفته مقامات آمریکایی و افغانستانی، زمانی که خودرو زرهی دروازه ورودی را خرد کرد، یکی از محافظان افغانستانی به دست تفنگدار آمریکایی کشته شد. انطور که مقامات آمریکایی اظهار کردند، یک‌بار دیگر زمانی که این خودرو زرهی در ترافیک گیر کرده بود، به سوی این خودرو حمله شد.

قندهار بی نگهبان

با کشته شدن ژنرال رزاق، امنیت قندهار، به عنوان یکی از حیاتی‌ترین استان‌های افغانستان به سرعت زیر سوال رفت. ژنرال رزاق این استان را با جذب خود سرپا نگه داشت و با ایجاد شبکه‌ای برای توان بخشی به دولت مرکزی، قدرت کابل، مرکز افغانستان را بیشتر کرده بود.

وقتی در سال ۲۰۱۱، ژنرال رزاق در اوایل دهه سی سالگی‌اش به عنوان رئیس پلیس قندهار انتخاب شد، طالبان به پشت دروازه‌های شهر رسیده بود. در واقع آنها هر روز یکی از کارکنان دولت را از دل شهر می‌ربودند و در دادگاه‌های نمایشی بیرون شهر محاکمه می‌کردند. دو رئیس پلیس پیش از رزاق در این دادگاه‌ها محاکمه و اعدام شده بودند.

رزاق در بازپرسی‌های رحم بود، عملیات را شصهاربری و خسارت‌های سنگینی به طالبان وارد می‌کرد. گروه‌های حقوق بشری او را به شکنجه و کشتار بدون دادگاه رقبای قبیله‌ای محکوم می‌کردند. اما اندکی که نفوذ پیدا کرد مقامات، اقدامات او را نظام‌مند و هشیارانه توصیف کردند.

مرگ رزاق بزم طالبان را گرم کرد. در زندان مرکزی کابل ده‌ها زندانی عضو طالبان در حال رقص شعر می‌خواندند که: آنها رزاق را کشتند، رزاق را در قندهار کشتند. رقص و آواز در زمان حکومت طالبان در افغانستان ممنوع بود.

مولوی عبدالغفور، یکی از مقامات طالبان، در گردهمایی این گروه در کوئته پاکستان، مرکز فرماندهی طالبان، گفت: این رزاق ۲۸۰۰ نفر را بدون دادگاه و عدالت، شهید کرده و آنها را در کابل زیر خاک برده بود و هنوز مادرانشان چشم انتظار هستند. این طالب یک سوراخ در سینه رزاق درست کرد. انشالله که خدا ما را در بهشت با او محشور کند و انشالله خدا رزاق را با اسکاوت میلر محشور کند. یکی از رهبران ما می‌گوید کاش اسکاوت میلر مرده بود. من می‌گویم چرا این قدر حریص هستیم؟ اگر ۵۰۰ آمریکایی مرده بودند من اینقدر که رزاق مرده خوشحال نمی‌شدم. حالا رزاق یک شبه قهرمان ملی شهید ملت شده است. تصاویر او روی بلیبوردها و پشت ویرترین مغازه‌ها به چشم می‌خورد و آرامگاهش بیرون ساختمان فرمانداری به مکان مقدس بدل شده است.